

**نام درس**

***نام استاد : جناب آقای دکتر مومنی***

***نام دانشگاه :دانشگاه علمی کاربردی واحد اا***

***نام دانشجو :کبری حدادیان***

**نیم سال اول 95-94**

**زندگی مشترک بر 4 پایه عشق، وفاداری، اعتماد و تفاهم استوار است و اگر این اصول متزلزل شود و به اساس زندگی مشترک آسیب برساند، ممکن است هر کدام از زوجین صلاح زندگی را در جدایی از هم بدانند. اما در این میان نقش اعتقادات دینی، تربیت خانوادگی، همدلی اطرافیان، ویژگی های فردی و اجتماعی و رعایت اصول اخلاقی بسیار مؤثر و تعیین کننده است.»**

****

**نگاهی به آمار طلاق در ایران**

****

**به گفته مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور**

**در مجموع ١٦٣‌هزار و ٥٧٢ مورد طلاق در ‌سال ٩٣ در کشور به ثبت رسیده که این رقم نسبت به مدت مشابه‌ سال قبل (١٣٩٢)، افزایش ٥،٣‌درصدی را نشان می‌‌دهد. طبق گزارش سازمان ثبت احوال، ١٤٩‌هزار و ٦٤٧ مورد از این طلاق‌ها در مناطق شهری و ١٣‌هزار و ٩٣٥ مورد نیز در مناطق روستایی به ثبت رسیده است. طبق این آمار، در هر ماه هم ١٣‌هزار و ٦٣١ مورد و هر شبانه‌روز ٤٤٨ مورد طلاق در کشور ثبت شده است. به گفته مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور، براساس آمارها، نرخ طلاق به ازای هر یک‌هزار نفر جمعیت کشور ٢،١‌درصد است یعنی به ازای هر یک‌هزار نفر جمعیت ٢،١ مورد طلاق در کشور ثبت می‌شود.تازه‌ترین گزارش سازمان ثبت احوال از طلاق در کشور همچنین نشان می‌دهد استان‌های خراسان رضوی با سه مورد طلاق به ازای هر یک‌هزار نفر جمعیت، گیلان ٢،٨ و تهران با ٢،٦ مورد طلاق، بیشترین میزان طلاق را در سطح کشور داشته‌اند و آمار طلاق در این استان‌ها بیشتر از میانگین کشوری است. استان سیستان‌وبلوچستان هم با نیم درصد، کمترین میزان طلاق در سطح کشور را دارد و همچنان در صدر کمترین آمار مربوط به طلاق در میان استان‌هاست. براساس این گزارش در استان ایلام هم به ازای هر یک‌هزار نفر جمعیت یک مورد طلاق و در یزد هم ١، ٢ مورد طلاق به ثبت رسیده که این سه استان هم نرخ طلاق پایین از میانگین کشوری را به خود

اختصاص داده‌اند. براساس آمار، در ‌سال ٩٣ به ازای هر ٤،٤ مورد ازدواج در کشور یک مورد طلاق به ثبت رسیده و این درحالی است که‌ سال ٩٢ به ازای هر پنج مورد ازدواج یک مورد طلاق به ثبت می‌رسید.
**

**در سال ۱۳۶۵ در برابر هر ۳۴۰ هزار و ۳۴۲ ازدواج،‌۳۵ هزار و ۲۱۱ طلاق در كشور ثبت شده است. این آمار در سال ۱۳۷۵ به ۴۷۹هزار و ۲۶۳ ازدواج در برابر ۳۷ هزار و ۸۱۷ طلاق و در سال ۱۳۸۱ به ۶۵۰هزار و ۹۶۰ ازدواج در برابر ۶۷هزار و ۲۵۶ طلاق می‌رسد. اگر چه آمارهای مربوط به طلاق به دلایل مختلف از جمله ثبت نشدن در دفاتر، جاری كردن صیغه شرعی طلاق بدون درج محضری آن و...با كم شماری مواجه می‌شوند و چندان قابل استناد نیستند، ولی بررسی همین آمار و محاسبه شاخص‌هایی چون نسبت طلاق به ازدواج و یا نسبت طلاق به كل جمعیت نشان دهنده آن است كه این آمار طی سال‌های مختلف با نوساناتی روبه‌رو بوده است. بررسی رقم مطلق طلاق طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۱ نشان دهنده افزایش آمار طلاق طی سال‌های مورد بررسی است اما محاسبه شاخص‌های آماری نشان می‌دهد در سال ۱۳۶۵ شاخص طلاق با افزایش روبه‌روست سپس طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۷ به‌تدریج كاهش می‌یابد و از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ این آمار مجدداً افزایش می‌یابد. این امر، گویای آن است كه اگرچه به گفته جمعیت‌شناسان افزایش طلاق با افزایش ازدواج رابطه‌ای مستقیم دارد، ولی به صورت غیر‌مستقیم نوسانات شاخص‌های طلاق تحت تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی و همچنین مسایل حقوقی است، چنانكه وضع قوانین و مقررات می‌تواند با تسهیل روند طلاق آن را به میزان طبیعی خود نزدیك كرده و فضایی ایجاد كند كه بسیاری از زوج‌هایی كه در عمل، زندگی زناشویی آنان به بن‌بست رسیده است و به دلیل مسایل حقوقی قادر به جدایی نیستند، این مرحله را پشت سر‌بگذارند و یا با ایجاد موانع حقوقی و قانونی آمار طلاق را كاهش دهد.**

[**روزانه در ایران ۴۱۱ زن طلاق می‌گیرند؛**](https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=20&ved=0ahUKEwiL08beg8DJAhWK0xoKHSi9DWc4ChAWCFMwCQ&url=https%3A%2F%2Fwww.tribunezamaneh.com%2Farchives%2F35717&usg=AFQjCNHvtfNYnKtevFHTJWMNxMvvFFtfZQ&sig2=tPUgId0S7zSzH1ERrLBYjg) ****

 **مدیر کل دفتر اطلاعات، آمار و جمعیت سازمان ثبت احوال کشور با اشاره به کاهش ۶.۷ درصدی آمار ازدواج در سالجاری، اظهار داشت: تا پایان آبان امسال، ۴۹۵ هزار و ۶۷۱ ازدواج در کشور به ثبت رسیده است وبه طور متوسط در هر ساعت ۱۷ طلاق و ۸۴ ازدواج در کشور به ثبت می رسد.

همچنین از افزایش ۸.۵ درصدی آمار ثبت طلاق در هشت ماه امسال خبر داد و گفت: در این مدت ۱۰۳ هزار و ۳۰۲ مورد واقعه طلاق به ثبت رسید.**

**در سال گذشته به ازای هر ۱۲ ازدواج دو طلاق به ثبت رسیده که امسال این آمار به ازای هر ۱۳ ازدواج دو طلاق ثبت شده است که این خود نشان دهنده افزایش آمار ازدواج در کشور است.**

# **رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: افزایش طلاق در استان تهران از میانگین کشوری که 4.4 بوده کمتر است و 1.8 درصد افزایش داشته است.**

# **درباره آمار طلاق در شش ماهه اخیر نیز اظهارکرد: در این مدت 79 هزار و 806 واقعه طلاق روی داده است که هر شبانه روز436 مورد و هر ساعت 18 واقعه طلاق به ثبت رسیده است. 14 درصد از طلاق‌ها در سال اول و 48 درصد از طلاق‌ها در پنج سال اول زندگی مشترک رخ می‌دهد و به طور متوسط از هر 4.4 ازدواج یک مورد به طلاق می‌انجامد. میانگین سن طلاق مردان 35 سال و زنان 30 سال بوده است.**

# **جدول زیر نشان دهنده وضعیت طلاق در ده کشوری است که دارای بالاترین درصد طلاق نسبت به ازدواجند. ردیف     کشور     ازدواج     طلاق     درصد طلاق به ازدواج۱           بلژیک       ۴٫۲            ۳                      ۷۱۲        پرتغال      ۳٫۷           ۲٫۵                    ۶۸۳     جمهوری چک     ۴٫۴          ۲٫۹                    ۶۶۴     اسپانیا              ۳٫۶          ۲٫۲                    ۶۱۵      استونی            ۳٫۸         ۲٫۲                    ۵۸۶     کوبا                   ۵٫۲          ۲٫۹                   ۵۶۷      فرانسه             ۳٫۸          ۲٫۱                    ۵۵۸     آمریکا               ۶٫۸          ۳٫۶                    ۵۳۹     لیتوانی            ۴٫۲          ۲٫۲                    ۵۲۱۰     روسیه          ۹٫۲            ۴٫۸                    ۵۱**

#  **ردیف     کشور       ازدواج     طلاق      درصد طلاق به ازدواج۱             قطر        ۳٫۳          ۱٫۱                   ۳۳۲         عربستان     ۵٫۲         ۱٫۱                    ۲۱۳              ترکیه      ۸            ۱٫۶                   ۲۰۴              ایران     ۱۲٫۲          ۱٫۷                   ۱۴۵         آذربایجان      ۹٫۷          ۱٫۲                    12**

# [**طلاق در شمیران 2 برابر ری**](http://www.asriran.com/fa/news/416881/%D8%B7%D9%84%D8%A7%D9%82-%D8%AF%D8%B1-%D8%B4%D9%85%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-2-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1-%D8%B1%DB%8C)

**محمدعلی محزون، مدیر کل آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، گفت: در شمال و جنوب شهر تهران وضعیت آمار طلاق با یکدیگر متفاوت است، به گونه‌ای که نسبت طلاق به ازای هر صد ازدواج در شمیرانات، ۵۷ و در ری ۲۳ درصد است**

****

[**ثبت 160 هزار طلاق در سال گذشته/ 60 درصد مطلقه‌ها زیر 30 سال هستند**](http://www.asriran.com/fa/news/416764/%D8%AB%D8%A8%D8%AA-160-%D9%87%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D8%B7%D9%84%D8%A7%D9%82-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%DA%AF%D8%B0%D8%B4%D8%AA%D9%87-60-%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF-%D9%85%D8%B7%D9%84%D9%82%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7-%D8%B2%DB%8C%D8%B1-30-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%AF)

**مشاور وزیر ارشاد با بیان این که در حال حاضر 11.5 میلیون جوان زیر 35 سال کشورمان در سن ازدواج هستند، گفت: در سال گذشته تنها 800 هزار مورد ازدواج در کشورمان اتفاق افتاده، ضمن این که در این مدت 160 هزار مورد طلاق نیز به ثبت رسیده است**

**مطالعات انجام شده در دنیا نشان می‌دهد 80 درصد از زنانی که طلاق می‌گیرند تا آخر عمر ازدواج نمی‌کنند و تنها 20 درصد از آنها مجدداً ازدواج می‌کنند.**

**طبق مطالعات انجام شده در دنیا عمر این افراد 10 الی 20 سال کاهش پیدا می‌کند. این افراد دچار انزوا شده و شبکه‌های اجتماعی خود را از دست می‌دهند.**

**مدیرکل امور اجتماعی استانداری : آمار طلاق در آمریکا سال به سال کاهش پیدا می‌کند چراکه برای پیشگیری از طلاق اقدامات پیشگیرانه همچون آموزش‌های خانواده، تخصیص یارانه‌های تشویقی و بسته‌های فرهنگی در اختیار مردم قرار می‌گیرد و بر خلاف تصور عموم خانواده در این کشور از جایگاه مستحکم و با ارزشی برخوردار است وی تصریح کرد: درست است که مدرنیته خانواده‌ها را در برخی شرایط بدون برنامه‌ریزی دچار بحران می‌کند، اما در جاهایی که برنامه‌ریزی‌ها منسجم بوده و دستگاه‌ها علمی کار می‌کنند، خانواده‌ها نیز مستحکم هستند. طبیعی است که بدون برنامه‌ریزی جدی و قوی هر آسیبی به معضل تبدیل می‌شود.**

**ازدواج نهادی است که از طریق آن مرد و زن با هم پیمان زناشویی می بندند، اما این پیوند ممکن است به دلایلی منجر به شکست شود و یا هم گسیخته گردد. جدایی زن و مرد از یکدیگر، مشکلات زیادی را بر سر راه فرد طلاق گرفته قرار می دهد و چنانچه زندگی زناشویی جدیدی آغاز گردد، تا حدودی شرایط زندگی افراد یاد شده، تغییر خواهد کرد.**

**زمانی که یک جوان برای ازدواج دچار مشکل می شود و سنش بالا می رود، همه به فکر چاره اندیشی می افتند، اما این نگرانی در مورد افرادی که یک بار ازدواج کرده اند و دوباره تنها شده اند، کمتر صدق می کند و این در حالی است که مجرد شدن مجدد بسیار سخت تر است. انتخاب در ازدواج مجدد به مراتب سخت تر از ازدواج اول است چرا که اگر این بار هم با شکست مواجه شود، آثار زیانبار اجتماعی و روانی مخرب​تری را به جای می گذارد. هرقدر افراد هیجانی و سرعتی تصمیم بگیرند، میزان ریسک ازدواج مجدد ناموفق بالاتر می رود.**

**ازدواج مجدد براي زنان مطلقه **

**… دكتر بدرالسادات بهرامي، كارشناس مسائل خانواده و داراي دكتراي تخصصي روانشناسي سلامت و مدرس دانشگاه است.**

**معتقد است آنچه طلاق را به معضلي اجتماعي براي زنان بدل كرده، وجود پديده تجرد ناخواسته دختران است كه ناخودآگاه شانس ازدواج مجدد براي زنان مطلقه را كم كرده و مطلقه ها را به زناني بدل ميكند كه تنها داوطلباني براي ايجاد روابط جنسي دارند و نه ازدواج خانم دكتر بهرامي! با توجه به اينكه آمار طلاق در كشور ما، البته با توجه به شرايط گذر از دوران سنتي، هنوز معضل نشده است، چرا خود واقعه طلاق با همين آمار فعلي، بحراني اجتماعي محسوب ميشود؟
طلاق يك بحران اجتماعي است چون عوارضي به شدت اجتماعي دارد. امروز ما در جامعه اي زندگي ميكنيم كه متاسفانه معضلي بهنام تجرد ناخواسته دختران وجود دارد. يعني دختران بسيار خوبي آماده ازدواج هستند، اما برايشان پسران آماده ازدواجي وجود ندارد. در چنين جامعهاي يقينا آمار بالا و 35 درصدي طلاق و اضافه شدن زنان جوان مطلقه به دختران مجرد، ايجاد بحران ميكند. در گذشته هاي نه چندان دور، مطلقه هاي جواني كه فرضا 24 تا 26 سال داشتند، بالاخره بعد از مدتي صبر كردن حتما با مردي 31 يا 32 ساله ازدواج ميكردند كه يك يا دو بچه هم داشت. اما امروز به خاطر پديده تجرد ناخواسته دختران، حتي مردان مطلقه 47- 48 ساله، به راحتي ميتوانند با دختران مجرد ازدواج كنند و دختران 31 -32 سال به راحتي داوطلب ازدواج با اين اشخاص هستند. طبعا مردان مطلقه هم ترجيح ميدهند با دختر ازدواج كنند تا زن مطلقهاي كه ممكن است تجربه تلخ شكست قبلي را وارد زندگي بكند. بنابراين مطلقه هاي جوان ما متاسفانه جزو آمار زناني ميشوند كه داوطلبان زيادي براي رابطه جنسي دارند، اما هيچ داوطلبي براي ازدواج و تشكيل زندگي ندارند.
زنان مطلقه هم نهايتا چهار تا پنج سال تمام نيازهاي عاطفي و جنسي خود را سركوب كنند اما تا آخر عمر كه قادر به اين سركوب كردن نيستند. از طرف ديگر، امكان ازدواجي هم براي خود نميبينند. در نتيجه اين نيازها از آنان زناني را ميسازد كه متاسفانه در رابطه هاي مكرر قرار ميگيرند و معشوقه مردان متأهل ميشوند. به اين ترتيب، زمينه اخلاقي جامعه متزلزل ميشود و خيانت به همسر، پديدهاي ميشود كه بالاترين آمار علت طلاق را به خود اختصاص ميدهد؛ مسئله اي كه از زمان بالا رفتن آمار طلاق و پديده تجرد ناخواسته، شايع شد.**

**. به طوري كه قريب به اتفاق زنان مطلقه از ترس برملا شدن اين موضوع و اينكه همكاران بدانند آنها مطلقه هستند ، اين مسئله را پنهان ميكنند. چون در صورت برملا شدن، آنقدر اذيتشان ميكنند تا آنها به دعوت همكاران براي داشتن رابطه جنسي پاسخ مثبت دهند. چراكه تا همكاران آن زن ميفهمند كه او مطلقه است، شروع ميكنند به محبت كردن به وي. امروز به محض اينكه زني مطلقه شد، از رييس و كارمند و… همه چشم طمع به او داشته و توقع دارند، زن مطلقه نياز جنسيشان را پاسخ دهد. خُب، زن اگر مشكل خانوادگي يا مالي هم داشته باشد، زمينه كشيده شدن به مفاسد اخلاقي زياد ميشود. البته زنان مطلقه معمولا در ابتدا به شدت در مقابل اين فشارها مقاومت ميكنند و آسيب هم ميبينند. اما وقتي ميبينند اين يك داستان غيرقابل حل است و ازدواجي هم صورت نميگيرد، كم كم به اين روابط تن ميدهند و معشوقه مردان متاهل ميشوند كه يا همكارشان است و يا همسايه و يا كسي كه در آژانس مسكن برايشان خانه گرفته و… بعد هم اسير دل بستنها و دل كندنهاي متعدد ميشوند. **

**چه مشكلات ديگري گريبانگير زنان بعد از طلاق ميشود؟
روابط گذشته شان دستخوش تغيير ميشود. مثلا اگر در گذشته به راحتي و بدون دغدغه خانه خواهر خود ميرفتند، حالا خواهر به شدت نگران رفت و آمد خواهر مطلقه جوانش است. چون بالاخره همسر او هم مرد است… نه فقط اقوام، درباره دوستان هم همين اتفاق ميافتد. اقوام زن مطلقه به شدت از معاشرت با او پرهيز ميكنند و علامت سوالها و رفتارهايي را بروز ميدهند. پس اولين اتفاق تنها شدن و زير نگاههاي معني دار رفتن است. دومين اتفاق آن است كه اين آدم تنهايي كه قوم و خويش او را كنار گذاشته و در زندگي هم شكست خورده، نيازي طبيعي نيز دارد. اين نياز او را به سمت رابطه ميبرد. رابطه هم ماهيتش ايجاد دلبستگي و عشق است. بعد از يك مدتي كه اهدافي حل و فصل شد، مرد سرد ميشود و حالا زن مطلقه بايد دنبال او بدود. بعد آبروريزي ميشود و زن بايد دل بكند. دل كندن باعث افسردگي ميشود، افسردگي بيمارش ميكند، بايد دارو بخورد و افت كاري يا تحصيلي پيدا ميكند و… اتفاق بد ديگر اين است كه شغل برخي كارمندان طوري است كه بايد متأهل باشند. براي همين اگر در محل كارشان به هر دليلي بفهمند كه اينها مطلقه اند، ممكن است در ماهيت حفظ يا از دست دادن كارشان تأثير بگذارد. همچنين ممكن است آنقدر در محل كار تحت فشار داوطلبان رابطه قرار بگيرد كه خودش از سر كار رفتن منصرف شود. اتفاق بد ديگر اين است كه بعد از طلاق مجبور است به خانه پدرش برگردد و از اين به بعد سايه و نفس كشيدنش هم شماره و ارزيابي ميشود و بايد حساب و كتاب پس دهد. در حاليكه او ديگر آن دختر قديم نيست. يا مجبور است خانه اي مستقل بگيرد. در اين حالت يا درآمد كافي دارد كه فقط مسائل اجتماعي گريبانگيرش ميشود يا مشكلات مالي هم دارد. قبلا تحت تكفل همسر بوده و حالا براي حفظ استقلال و براي اينكه نميخواهد بار شكست را با رفتن به خانه پدر مضاعف كند، با پول مهريه خانه اي اجاره ميكند، اما به دليل بيكاري و مشكلات مالي مجبور ميشود تن به رابطه دهد.**

## [چرا پسران مجرد با زنان مطلقه ازدواج می کنند؟](http://www.beytoote.com/wedlock/danestani/marry3-divorced-woman.html)

****

**شاید در اطرافیانتان دیده باشید که یک پسر مجرد، برای ازدواج سراغ زنی مطلقه رفته است. اتفاقی که از نظر اطرافیان مثبت ارزیابی نمی شود اما این روزها در حال شیوع است.**

**بگذارید اول سراغ بخش بدبینانه قضیه برویم. نگاه بدبینانه می گوید پسر مجرد به این دلیل خواهان ازدواج با زن مطلقه است که فکر می کند ازدواج راحتی در پیش دارد.**

**طبق یک انتظار عمومی، زنان مطلقه در ازدواج دوم شان کم توقع تر هستند، سازشکاری بیشتری نشان می دهند و تمایل به ازدواج های کم سر و صدا دارند که در آنها از مراسم پی در پی و تشریفات خبری نیست.**

**آنها فکر می کنند:**

**1- زنان مطلقه انتظار مالی پایین تری دارند و در شرایطی که مهریه، هزینه های مراسم ازدواج، هزینه های تامین مسکن و درآمد برای پسرها یک دغدغه جدی است، زنان مطلقه با انتظارات پایین تر می توانند گزینه خوبی باشند.**

**2- زنان مطلقه حامی ندارند. خانواده آنها به دلیل موقعیت فرزندشان تمایل دارند زندگی دوم دخترشان را حفظ کنند پس در امور زندگی دخالت نمی کنند.**

**3- زنی که یک بار از همسرش جدا شده، بار دیگر هم ممکن است از همسرش جدا شود. پس اگر زندگی با او به بن بست رسید، دردسرهای کمتری برای طلاق خواهند داشت.**

**4- زنان مطلقه مهریه و حق و حقوق مالی شان را از همسر سابق دریافت کرده و تمکن مالی بیشتری دارند و می توانند منبع حمایتی خوبی برای یک پسر مجرد باشند.**

**چه تصمیمی بگیریم؟**

**درباره این بخش بدبینانه و آسیب زای ازدواج پسران مجرد با زنان مطلقه باید بگوییم که بهترین راهکار این است که قبل از ازدواج، زن سعی کند انگیزه های اصلی خواستگارش را دریابد. ازدواجی که صرفا به دلیل برخورداری از حمایت یک مرد صورت بگیرد، می تواند خطرناک باشد و چالش های زندگی قبلی را برای یک زن تکرار کند. بنابراین بهتر است کار را به کاردان بسپارید و با مشاوره‌های روانشناسی تک نفره و دو نفره تصمیم نهایی خود را بگیرد.**

**آسیب های ازدواج با زنان مطلقه**

**یکی از آسیب های این ازدواج یادآوری مکرر خاطرات ازدواج قبل است. ممکن است زن در چنین ازدواجی مورد سرزنش مرد و اطرافیان او باشد و با وجود کوچکترین اختلافی این جمله را بشنود: «حتما همسر قبلی ات هم همین رفتار را ازت دیده که طلاقت داده...»، «تو از یک زندگی شکست خورده بیرون آمده بودی و من حمایتت کردم»، «حالا می فهمم همسر اولت چه از دست تو کشیده» و...**

**از طرف دیگر، زن به خاطر تجربه ای که قبلا داشته، ممکن است آسیب پذیری بیشتری نشان دهد. مدام مراقب باشد که رفتارهای آزاردهنده همسر اولش را در این زندگی نبیند و به محض مشاهده یک رفتار مشترک، نسخه بپیچد و بگوید: «تو هم مثل همسر اولم هستی»، «همه مردها همین طورند»، «عاقبت این زندگی هم همان خواهد شد» و... . بخش دیگری از این ماجرا، ممکن است در مقایسه های پی در پی دو مرد زندگی او با همدیگر اتفاق بیفتد. زن مرتب نقاط ضعف همسر دوم را با نقاط قوت همسر اول مقایسه و او را سرزنش کند.**

**بخش خوشبینانه این ازدواج ها**

**اما این ازدواج ها بخش خوشبینانه ای هم دارند.**

**زنان مطلقه به واسطه تجربه هایی که در زندگی اول خود کسب کرده اند، توانایی مدیریت بهتری در روابط دارند. به همین دلیل نظر پسران مجرد را بیشتر جلب می کنند. این زنان مهارت های خانه داری، ارتباط با اقوام، برخورد با همسر را دارند و دیگر نیازی نیست با شروع زندگی مشترک، به آزمون و خطا بپردازند.**

**زنان مطلقه زنانی هستند که در صورت داشتن یک زندگی آرام، قدر موقعیت را می دانند و برای بهتر شدن زندگی تلاش می کنند. آنها وضعیت بدتری را چشیده اند و حاضر نیستند زندگی خوب امروزی شان را به سادگی از دست بدهند.**

**در کنار همه این ها به یاد داشته باشید مطلقه بودن دلیلی برای انتخاب نشدن برای ازدواج نیست. در زمانه فعلی که آمارهای طلاق بسیار بالا رفته، زنان جوان زیادی را می بینیم که شاید در دهه دوم یا اوایل دهه سوم زندگی خود باشند و با قابلیت های برجسته و شان خانوادگی و اجتماعی بالا سابقه شکست را داشته باشند. بنابراین از نگاه سنتی و قضاوت نادرست درباره این زنان فاصله بگیرید و بر اساس واقعیات موجود انتخاب کنید**

**گروهی از زنان در زندگی خود به بن بست می رسند و طلاق را تنها راه چاره خود می دانند. در این میان اما گروهی از آنها به دلیل فرار از بحران و مسائل ناشی از طلاق(مثل مشکلات مالی، روانی، اجتماعی، عاطفی) و حتی فرار از حرف ها و طعنه های اقوام و آشنایان خیلی سریع و ساده به دلیل نیازهای عاطفی و جسمی می خواهند تشکیل زندگی مجدد دهند. اما شاید اکثریت آنها این نکته را در نظر نمی گیرند که انتخاب در ازدواج مجدد به مراتب سخت تر از ازدواج اول است چرا که اگر این بار هم با شکست مواجه شود، آثار زیانبار اجتماعی و روانی مخرب​تری را به جای می گذارد.**

**. موضوع ازدواج مجدد قابل بحث نیست مگر آنکه آن را در بستر فرهنگ و اجتماع مورد بررسی قرار دهیم. برای شناخت عوامل و موانع فرهنگی - اجتماعی ازدواج مجدد باید به ساختار اجتماعی جامعه که تحت تأثیر فرهنگ آن هم قرار دارد، توجه شود.**

**نمی توان یک نگاه کامل و همه جانبه به پدیده ای چون ازدواج مجدد داشته باشیم، مگر اینکه کلیه عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر از آن را مورد توجه قرار دهیم. یکی از عواملی که در احتراز یا اقدام به ازدواج مجدد یک فرد بیوه نقش دارد، نگرش جامعه و خانواده آن فرد نسبت به این موضوع است، زیرا تصمیمات فردی حتی در حوزه های خصوصی و شخصی زندگی تحت تأثیر نگاه جماعتی است که در میان آنها زندگی می کنیم. نگرش منفی افراد جامعه نسبت به فرد طلاق گرفته، می تواند مشوق فرد برای تأهل دوباره باشد. از طرفی نگاه منفی جامعه به فردی که مجدد ازدواج می کند، می تواند باعث شود تا فرد علی رغم میل باطنی اش به ازدواج مجدد، از آن خودداری کند. تفاوت نگاه به موضوع ازدواج مجدد در جوامع مختلف و همچین در یک جامعه در زمان های مختلف، باعث می شود افراد تحت تأثیر آن رفتارهای متفاوتی نشان دهند.**

**نگاهی به جوامع غربی نشان می دهد که در آن جوامع ازدواج، طلاق و تشکیل مجدد زندگی امری طبیعی و عادی تلقی می شود. کسی که همسرش را به هر دلیل از دست می دهد، می تواند خیلی زود بدون ترس از قضاوت دیگران، مجدد وارد یک رابطه شده و ممکن است خیلی سریع ازدواج کند. حتی در صدر اسلام نیز در جوامع عربی چنین بود. در اغلب موارد زنان بعد از اتمام عده دوباره تشکیل خانواده می دادند.**

**در کشور ما با آنکه یک کشور اسلامی است، تحت تأثیر فرهنگ مردم و به دلیل عدم شیوع آن، چنین دیدگاهی جایز نیست مخصوصاً نسبت به خانم ها. متأسفانه بازدارنده های اجتماعی در کشوری مثل ایران برخلاف طبیعت انسانی عمل می کنند، زیرا فردی که تنها شده است همان نیازهایی را دارد که زمانی بخاطرش ازدواج کرده است. نیاز به ازدواج یک امر طبیعی است، ولی عوامل فرهنگی در برخی موارد بر آن غلبه می کند. با توجه به شناختی که از فرهنگ خودمان داریم، جای تعجب نیست که اقدام به ازدواج مجدد در گروه زنان مخصوصاً زنانی که در سنین بالاتر و با وجود فرزندان، تنها شده اند، کمتر باشد؛ زیرا اگر فرد طلاق گرفته یا همسر از دست داده برخلاف انتظار جامعه عمل نماید، با تنبیه جامعه مواجه می شود. به عنوان مثال در مورد زنان ممکن است از طرف جامعه طرد شوند، تحت فشار نگاه های آزاردهنده افراد جامعه قرار گیرند، به لحاظ حقوقی، حضانت فرزندانشان را از دست بدهند و یا با بی مهری و عدم حمایت خانواده یا فرزندان روبرو گردند. البته این موضوع در خانواده های مختلف، سطح مالی و فرهنگی مختلف و در شهرهای گوناگون با یکدیگر تفاوت دارد.**

**اگر زن از همسرش جدا شده باشد نیز با مشکلات خاص خود روبه رو می شود:**

**- در صورت جدایی از همسر، ازدواج دوم ممکن است حمل بر بوالهوسی و تنوع طلبی گردد؛ مخصوصاً اگر فرزندی داشته باشد.**

**- قانون نانوشته فرهنگی وجود دارد که زنی که فرزند دارد تا آخر عمر همان مهر مادری برایش کفایت می کند.**

**- برخورد همسر اول زن اصولاً نامناسب است. در بسیاری موارد نگهداری و حضانت فرزند در صورتیکه زن ازدواج کند از او گرفته می شود. مخصوصاً اگر فرزندشان دختر باشد، ممکن است مرد به بهانه عدم اطمینان از ناپدری، از شب ماندن دخترش نزد مادر خود جلوگیری کند.**

**اما چیزی که زنان با آن روبه رو هستند، نگاه منفی جامعه است؛ حتی اگر بیان نشود. فرهنگ ما به زنی که پا روی نیازهایش بگذارد و تنها به مادری فکر کند، نمره مثبت تری می دهد تا زنی که تصمیم بگیرد شرعاً و قانوناً به این تنهایی خاتمه دهد.**

**- باید زمان مناسب بگذرد تا فرد برای ورود به زندگی جدید آماده شود.**

**- پذیرش نقش نامادری و ناپدری، یکی از الزامات شخصی است که وارد زندگی دوم می شود. او باید بداند فرزندان به راحتی با این موضوع کنار نمی آیند و ایده آل به این موضوع فکر نکند.**

**ازدواج مجدد پدیده ای غریب و نامأنوس در فرهنگ ماست که به دلیل آمار بالای طلاق و جمعیت رو به افزایش بیوه زنان و بیوه مردان، به صورت طبیعی از قبح آن کم شده و تعداد بیشتری از افراد، مجدد ازدواج می کنند، اما نیاز به فرهنگ سازی و رفع موانع قانونی برای اقدام صحیح دارد. چیزی که مشخص است، ازدواج در هر سنی برای فرد نیاز است، اما تصمیم دوباره برای تشکیل خانواده امری است که به فرهنگ جامعه بازمی گردد و این در حالیست که هیچ منع شرعی برای زنان و مردان برای ازدواج مجدد وجود ندارد.**

### فرزندان و ازدواج مجدد یکی از والدین نتیجه تصویری برای عکس طلاق

**فرزندان و به خصوص فرزندان پسر در مورد ازدواج مجدد مادران و فرزندان دختر در مورد ازدواج مجدد پدرانشان بسیار حساس هستند که می توان گفت عمده این مشکلات روی جنسیت می چرخد. مردی که می خواهد تشکیل زندگی مجدد بدهد باید با دخترش به گونه ای مدارا کند تا وی فکر نکند که نادیده گرفته و طرد می شود و حس حسادتش را برافروزد بلکه باید او را مجاب کند که دوستش دارد اما از نیاز به ازدواج هم صحبت کند و نوع این دوست داشتن ها را از هم تفکیک کند. رابطه مادران و پسران نیز به همین شکل است و بیشتر اوقات فرزند ذکور نسبت به ازدواج مجدد مادرش غیرتی می شود و احساس بدی پیدا می کند.**

**مادر باید در این زمینه صبوری به خرج دهد و در عین ابراز توجه و علاقه به فرزند، از نیاز به تشکیل زندگی مستقل برای خود صحبت کند. چه زن و چه مرد هرگز نباید به فرزندانشان بگویند که من آنقدر تو را دوست دارم که هیچ وقت ازدواج نمی کنم. اما در مورد زن و مردی که هر 2 دارای فرزند هستند و می خواهند زیر یک سقف بروند، اوضاع قدری پیچیده می شود. والدین باید روی رابطه بین فرزندانشان با یکدیگر کار کنند تا تنش کمتری به وجود آید البته به شرط آنکه هیچ درگیری ای بین زن و مرد نباشد. نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد، این است که تا زمانی که رابطه رسمی و جدی نشده، فرزندان را نباید از ازدواج مجدد آگاه کرد اما وقتی مسئله جدی شد و به سرانجام رسید، باید به فرزندان در مورد تشکیل زندگی مشترک توضیح داد.**

### ازدواج مجدد در احکام و قوانین حقوقی ایران

**در قوانین حقوق مدنی، ازدواج مجدد دارای شروط و قوانینی هست که به اجمال در اینجا ذکر می گردد.**

#### ـ ازدواج مجدد زن در احکام و قوانین حقوقی ایران

**در قوانین حقوقی کشورمان که برگرفته از احکام فقهی اسلام است، زن، مادام که همسر دارد، برخلاف مرد، نمی تواند ازدواج نماید. ازدواج مجدد، تنها برای زنان مجرد مطلقه و بیوه، آن هم پس از سپری شدن ایام عده، تجویز شده است. اما با وجود تجویز ازدواج مجدد برای اینگونه زنان، قوانین حقوقی بصورت مستقیم و غیرمستقیم، موانعی را بر راه ازدواج مجدد زن بوجود آورده اند که این موانع تحدید کننده، مانع از تشکیل مجدد زندگی خانوادگی زن می شوند.**

**براساس قوانین حضانت، ازدواج مجدد زنی که از همسر اول خود دارای فرزندانی است، موجب سلب حضانت فرزندانش از وی می شود. و این یکی از قوانینی است که به صورت غیرمستقیم زن را از ازدواج مجدد منع می کند. زیرا زن برای از دست ندادن حضانت فرزندانش مجبور است رنج تنهایی را بر دوش کشیده و از ازدواج مجدد سرباز زند و خود را از تشکیل زندگی دوباره در ایام جوانی محروم نماید.**

**ناگفته بر همه پیداست اثرات سوء روانی، اجتماعی، اقتصادی این امر بر زن تا به چه حد است و گاه جبران آن امری بس مشکل است. در صورتی که ازدواج مجدد مردِ مطلق، با وجود داشتن فرزندان، موجب سلب حضانت از وی نمی شود. اگر قانونِ عدم ازدواج مادر در حین حضانت، به جهت مصالح طفل است، این سوال مطرح می شود که چگونه آثار سوء وجود ناپدری در قانون در نظر گرفته شده است، ولی وجود آثار سوء با حضور نامادری در نظر گرفته نشده است؟ در صورتی که آنچه از بدرفتاری نامادری در ازدواج های دوم می بینیم و می شنویم، بسیار بیشتر از آن است که در مورد ناپدری می شنویم.**

**همانطور که گذشت برخی قوانین مدنی کشورمان، مواد قانونی را به گونه ای صادر نموده است که انجام و عدم انجام آن هریک به شکلی برای زن مشکلاتی را ایجادمی نماید و زنان در بسیاری موارد حاضرند از ازدواج مجدد چشم بپوشند و مشکلات ناشی از این چشم پوشی را تحمل نمایند. پس باید درصدد چاره ای در این زمینه باشیم.**

**دختران وجود دارد. یعنی دختران بسیار خوبی آماده ازدواج هستند، اما برایشان پسران آماده ازدواجی وجود ندارد. در چنین جامعهای یقینا آمار بالا و 35 درصدی طلاق و اضافه شدن زنان جوان مطلقه به دختران مجرد، ایجاد بحران می کند.**

**زنان مطلقه هم نهایتا، امکان ازدواجی مجدد برای خود نمی بینند.**

**زنان مطلقه که به دلایل مختلف از همسرانشان جدا می شوند به یکباره با جهان دیگری مواجه شده، دنیایی که بسیاری از مختصات آن ناآشناست.**

**این گروه از زنان با مسایل، مشکلات و موانع زیادی در زندگی مواجه هستند. دشواری هایی که این زنان تاب می آورند عمدتا به دغدغه های معیشتی، عاطفی، وسواس های فکری، حاشیه های ناخواسته از برخورد نامناسب اطرافیان و غیره مربوط می شود.**

**بسیاری از زنان مطلقه و بیوه به علت تجربه تلخی که در زندگی اول خود داشته اند دیگر حاضر نیستند تن به ازدواج دوم دهند.**

**افزایش تعداد زنان مطلقه و بیوه و پایین بودن سن آنان به خودی خود باعث بروز مشکلات عدیده ای در جامعه می شود که توجه بیش از پیش مسوولان امر را برای حل مشکلات آنان و جلوگیری از بروز معضلات اجتماعی می طلبد.**

**مدیرکل آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور در ادامه گفت: سالانه 774 هزار ازدواج در کشور صورت می گیرد که 3.4 دهم درصد آن یعنی 26 هزار ازدواج مربوط به مردانی است که برای بار دوم تن به ازدواج می دهند.**

**محزون افزود: از مجموع ازدواج های به ثبت رسیده در کشور 2.5 درصد یعنی حدود 19 هزار ازدواج مربوط به زنانی است که برای بار دوم تصمیم به ازدواج گرفته اند.**

**وی تصریح کرد: 1.9 دهم درصد یعنی 15 هزار ازدواج به ثبت رسیده نیز مربوط به مردانی است که برای بار دوم با خانم هایی که تاکنون ازدواج نکرده اند، ازدواج می کنند.**

**مدیرکل آمار واطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور افزود: ازدواج های به ثبت رسیده پسران با زنانی که قبلا یک بار ازدواج کرده اند یک درصد یعنی حدود هفت هزار ازدواج است.**

**90 درصد مردان متاهل تمایل دارند با زنان بیوه ازدواج کنند**

**مدیر کل آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور در این خصوص گفتوی با بیان اینکه 657 هزار زن و مرد مطلقه در کشور وجود دارد، ادامه داد: از این میزان 443 هزار زن مطلقه و 214 هزار مرد مطلقه در کشور وجود دارد**

**زنان مطلقه و آسیب های مخرب بر جامعه**

**زنان مطلقه؛ ازدواج مجدد و صف خلوت خواستگاران**

**زنان مطلقه معمولاً نسبت به مردانی که متارکه نموده‌اند، کمتر ازدواج مجدد می کنند. از جمله علل اجتماعی این وضعیت، وجود فرزندان، سن زن و عدم پذیرش مردان جهت ازدواج با زن مطلقه می باشد. البته این امر به علل عاطفی مانند شکست در ازدواج قبلی و عدم تمایل برای ازدواج و نیز عدم اعتماد مردان به موفقیت زنان مطلقه در زندگی زناشویی و عدم روحیه مناسب جهت آغاز زندگی جدید باز می گردد.**

**در فرهنگ ایرانی زنان مطلقه برای ازدواج، از اعتبار کمتری برخوردارند و مردی که ازدواج نکرده کمتر به سراغ آنها می رود و در اغلب موارد مردانی که زنان خود را از دست داده اند یا همسر خود را طلاق داده اند، به خواستگاری آنها می آیند، در این شرایط زن مطلقه دیگر نمی تواند آزادانه حق انتخاب داشته باشد و سطح توقعات او از طرف متقابل، بسیار تنزل می کند و بسیاری از شرایط ناگوار را به اجبار پذیرا می شود، زیرا در غیر اینصورت برای همیشه تنها خواهد ماند.**

**احتمال وقوع این شرایط علی الخصوص زمانی که فرد با مشکلات اقتصادی و تأمین معاش دست به گریبان باشد، شدت می یابد و فرد مطلقه را به سوی مفاسد مالی و اخلاقی سوق می دهد.**